

ادبیات مدرن ایران*

منصوره شریف‌زاده

پس از رنسانس در اروپا، تغییرات عظیمی در همه عرصه‌ها و به ویژه در ادبیات به وجود آمد. در ایران، این تحولات پس از دوران مشروطه صورت گرفت. ایستایی و سکونی که در دوران پیش از مشروطیت در زمینه اجتماعی و اقتصادی مملکت ما حاکم بود، بر ادبیات ما تأثیر گذاشته بود. پس از چند دوره شکوفایی شعر که شاعران بزرگی چون مولوی، حافظ و خیام را به جهانیان شناسانید، تقریباً حدود چند دهه ما شاهد اشعاری بودیم که از نظر شکل (فرم) و محتوا، نوآوری چندانی نداشتند.

پس از دوران مشروطه، عوامل اجتماعی و سیاسی و به ویژه عوامل فرهنگی - روزنامه‌ها، مجلات و ترجمه‌ها ... - روی تفکر شاعران و ادیبان اثری چشمگیر گذاشت و کم‌کم سبب تحول ادبیات فارسی شد که در اینجا مختصراً به آنها اشاره می‌شود.

شعر تا قرن نوزدهم مهم‌ترین ابزار بیان ادبی در ایران بود؛ اما در قرن نوزدهم که تماس با دنیای مدرن و عمدتاً تکنولوژیکی افزایش یافت، شعر سنتی با کمبود واژگان جدید روبه‌رو شد و شعر فارسی آشکارا قادر به تطبیق با اندیشه‌های جدید نبود.

در پایان قرن نوزدهم، بیشتر روشنفکران ایرانی تشخیص دادند که با تغییراتی که در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور به وجود آمده است، باید در ادبیات هم تغییرات جدی صورت گیرد. روح اصلاح‌طلبی و شور انقلابی شعر آن دوره، نقش مهمی در انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ ه. ق. - ۱۹۰۶ م.) ایفا کرد. گفت و گوهای پرهیجانی که در روزنامه‌های ایرانی و محافل روشنفکری و ادبی آن دوره صورت می‌گرفت، نشان می‌داد که چگونه همه، دل مشغول و درگیر ادبیات مدرن بودند.

در (۱۳۱۹ ه. ق. - ۱۹۴۰ م.) بود که شعر ایرانی به قلمرو جدیدی وارد شد. شعر مدرن فارسی از خود نیروی حیاتی قابل توجهی نشان داد و فصل جدیدی در ادبیات فارسی باز و ثابت کرد که پرمفهوم‌ترین و سودمندترین هنر ایران معاصر است. اگر تصور کنیم، شعر مدرن به دلیل ویژگی انقلابی‌اش، همه وابستگی‌هایش را با گذشته و با سنت دست نخورده هزار ساله‌اش قطع کرده است، اشتباه کرده‌ایم. در واقع، خلق و خوی ملی، زمینه مشترک بین شعر کهن و جدید را فراهم می‌کند.

شعر فارسی جدید از نظر گوناگونی و شیوه‌های تعمق در مسائل با شعر کلاسیک تفاوت دارد. برای مثال، در شعر مدرن، از سبک نگارش دلپذیر و آرامش‌بخش خبری نیست. طبیعت، برای نمونه، نمایانگر بیشه‌ای برهنه، آسمانی طوفانی یا رودخانه‌ای خروشان است و دیگر از باغی که جانوران و گیاهان به صورت ازلی در آن ساکن‌اند و بلبلانی که به عشق گل نغمه ازلی سر می‌دهند، اثری نیست. دیگر لاله با جام شراب سرخ ارتباطی ندارد، بلکه نمایانگر خون سرخ شهید است.

همه تصویرهای شعر مدرن آگاهانه و هدفمند و با توجه به دیدگاه شاعر به جامعه آورده می‌شود. شاعر مدرن نظر خود را درباره حقایق اجتماعی زمانش می‌سراید. او همچنین، خود را با آگاهی از حقایق، مسائل و امکانات جدید زندگی‌اش رو در رو می‌بیند.

شاعران مدرن، نه تنها از نظر شکل تحت تأثیر شعر غربی قرار داشتند، بلکه از جنبه وحدت ساختاری - که بدون آن شعر اصلاً مفهومی ندارد - نیز از شعر غربی متأثر

بودند. هاپکینز، ویتمن و پائوند شاعرانی هستند که در شعر فارسی تأثیر گذاشتند. علی اسفندیاری که بعدها لقب نیما یوشیج را برای خود برگزید، پیشرو شعر مدرن بود. او در (۱۳۱۵ ه.ق - ۱۸۹۵ م.) در دهکده‌ای واقع در یوش در شمال ایران به دنیا آمد. وقتی ۱۲ ساله بود، خانواده‌اش او را به تهران آوردند و در مدرسه فرانسوی‌ها ثبت نام کردند. در پایان تحصیلات دبیرستان بود که او سرودن شعر را آغاز کرد. او اولین اشعارش به شیوه سنتی سرود، اما کم‌کم دانش وی از ادبیات فرانسه، او را قادر ساخت تا با شعری آشنا شود که ظاهر داستانی داشت.



نیما به کل با شعر سنتی قطع رابطه نکرد. وزن و قافیه هنوز در اشعارش به چشم می‌خورد، گرچه، حس جدیدی از شعر و رویکرد تازه‌ای نسبت به طبیعت در صورت خیال او دیده می‌شود. طرز تلقی نیما از طبیعت چنان تأثیرگذار بود که به صورت معیاری برای اشعار خود او و برای شعر مدرن فارسی باقی ماند.

نیما با نقد و گسست از شعر کلاسیک فارسی به شعری دست یافت که تداوم شعر کلاسیک فارسی است، حاصل تحول شعر کلاسیک ما است. شعر او از درون سنت ادبی ما بالیده، لذا توانسته است رشد کند و ریشه‌دار و بارور شود. انقلاب نیما در شعر،

فقط حاصل تغییرات در وزن و قافیه نبود، نیما نگرش جدیدی به جهان یافته بود. شعر او بیشتر عینی بود تا ذهنی. تصویرپردازی‌های بدیع او این نگرش را کاملاً نشان می‌دهد.

در همان حال که شعر پیشرو (آوانگارد) رشد می‌کرد و تأثیر زیادی بر خوانندگان جوان تر می‌گذاشت، شاعران با استعداد جدید راهشان را پیدا می‌کردند. تصویرگرایی (ایماژیست) قدرتمندی نظیر سپهری، همراه با پیروان نیما، شاملو، اخوان ثالث و فرخزاد، ثابت کردند که شعر خوب با روح می‌تواند با تصویرها و واژگان جدید سروده شود.

شاعر ایرانی امروز خود را وقایع‌نگار عصر جدید می‌داند و از هوش خود برای درک وضعیت جدید و واقعیت‌های محیط اطرافش بهره می‌گیرد.

داستان

نثر نیز واسطه ادبی غالب در ایران مدرن شده است. نویسندگان تخیلی ایرانی جدید که تحت تأثیر توسعه اجتماعی کشور بودند، به شرایط سیاسی و اجتماعی محیط‌شان توجه نشان دادند و به ویژه افزایش تماس با غرب، به علاوه، گسترش روزنامه‌ها و شروع ترجمه‌های وسیع آثار خارجی به توسعه آثار ادبی مدرن در ایران منتهی شد. در ادبیات منثور، تغییرات اولیه در نامه‌نگاری‌های اداری توسط دو تن از نخست وزیران بزرگ ایرانی ایجاد شد: قائم‌مقام فراهانی و امیرکبیر. ابداعات بعدی را دو شخصیت سیاسی و ادبی به وجود آوردند: میرزا ملکم خان و عبدالرحیم طالبوف. طالبوف (۱۲۵۰-۱۳۲۸ ه. ق. ۱۸۵۵-۱۹۱۰ م) اولین نویسنده‌ای بود که علوم جدید را به ایران معرفی کرد. کتاب‌های او (مسالک المحسنین و کتاب احمد) به صورت معمول به شیوه‌ای ساده و خواندنی نوشته شده و شامل موضوع‌های علمی و اخلاقی بود. او دلیل هر گونه عقب ماندگی فرهنگی را ناشی از عدم پیشرفت علم می‌داند و در اغلب آثارش در کنار پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی، از مسائل علمی نیز غافل نمی‌ماند. در مقدمه «کتاب احمد» می‌نویسد که هدفش از نوشتن کتاب، آشنا کردن خوانندگان با اکتشافات و اختراعات مغرب زمین بوده است تا از این راه، روح جستجو را در آدم‌ها برانگیزد.

این کتاب شامل گفت و گوهایی میان راوی و فرزند خیالی او احمد است. طالبوف



با خلق این دو شخصیت، اثر خود را از قالب یک رساله خشک علمی - آموزشی خارج کرده و ابعاد داستانی به آن داده است.

در ادبیات انگلیسی تا قبل از قرن هجدهم و در ادبیات فارسی تا زمان انقلاب مشروطه، به آن نوعی از ادبیات که امروزه، اصطلاحاً رمان (نول Novel) خوانده می شود، بر نمی خوریم؛ البته، قبلاً داستان های منظوم بسیاری داشته ایم که از آن جمله، داستان های شاهنامه، ویس و رامین و خسرو و شیرین را می توان نام برد و یا با اندکی تسامح، داستان هایی نظیر حسین کرد، سمک عیار، امیر ارسلان و ... را، اما رمان به صورت امروزی، پس از این دوره شکل گرفت و به تدریج متحول شد.

در پایان دوران مشروطیت، دو کتاب بر حوادث پیش آمده و بیداری ملت و احیای ادبیات تأثیر زیادی گذاشت. این دو کتاب، سیاحت نامه ابراهیم بیگ (۱۹۰۳) اثر زین العابدین مراغه ای و ترجمه فارسی سرگذشت حاجی بابای اصفهانی رمان مشهور

جیمز موریه بود.

سیاحت‌نامه، اولین کوشش برای نوشتن رمان فارسی به روش اروپایی بود. این کتاب، دربارهٔ پسر تاجری تبریزی است که در مصر به دنیا آمده و همانجا بزرگ شده است. ابراهیم بیگ، با خادمش به ایران سفر کرد. او گزارش سفرش را به صورت خاطرات روزانه نوشته است.

سبک نگارش کتاب از اهمیت زیادی برخوردار است. نویسنده یکی از اولین نویسندگان فارسی زبان است که جرأت کرده از واژگان محاوره‌ای ساده استفاده کند. کتاب مشهور دیگری که به آن اشاره شد، سرگذشت حاجی بابای اصفهانی است. این کتاب را ابتدا جیمز موریه در انگلستان در ۱۲۸۴ منتشر کرد. او در این کتاب چنان دانش و درک جالبی از آداب و رسوم و زندگی بعضی از اقدار جامعه ایرانی نشان می‌دهد که مشکل می‌توان باور کرد که مشاهدات بسیار دقیق او، متعلق به یک خارجی است.

میرزا حبیب اصفهانی، حاجی بابای موریه را از فرانسوی به فارسی برگرداند. کتاب دیگر، چرند و پرند دهخدا (۱۳۳۴-۱۲۵۶) بود که در روزنامه «صور اسرافیل» آن زمان منتشر می‌شد.

قطعه‌های «چرند و پرند» دهخدا نه تنها نوع ادبی (ژانر) جدیدی در ادبیات فارسی ایجاد کرد، بلکه سبک جدیدی از نوشتن را پایه‌گذاری کرد که نویسندگان بعدی به شدت تحت تأثیر آن قرار گرفتند و هنوز هم تأثیر آن مهم است. نمونه‌هایی از لطیفه طنزآمیز را می‌توان در آثار کلاسیک فارسی یافت؛ اما این نوع فقط مخصوص دهخدا است.

سید محمد علی جمالزاده جایگاه خاصی در ادبیات فارسی معاصر ایران دارد. وی به خاطر نقش چشمگیرش در ایجاد رنسانس در نوشته‌های فارسی، یکی از مبدعان زبان ادبی مدرن به شمار می‌رود و اولین کسی است که تکنیک‌های داستان کوتاه اروپایی را معرفی کرد. آنچه که هنوز جالب است، نوشته‌های او است که حس زندگی، روح و فضای ایران را بیش از نویسندگان دیگر نشان می‌دهد.

جمالزاده (۱۲۷۴) در اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات متوسطه را در آنتورا نزدیک بیروت آغاز کرد. پدرش، سید جمال الدین اصفهانی یکی از روحانیون روشنفکر دوران مشروطیت بود.

کتاب یکی بود، یکی نبود جمالنزاده شامل شش داستان کوتاه است، این داستان‌ها دربارهٔ طبقهٔ متوسط و طرز تفکر، جاه‌طلبی‌ها و بلا تکلیفی‌های آنها است. شخصیت اصلی این داستان‌ها یعنی مرد درستکاری که در جامعه‌ای نامتعادل (بی‌توازن) زندگی می‌کند، به خوبی تصویر شده است.

صادق هدایت (۱۲۸۱-۱۳۳۰) بلند مرتبه‌ترین نویسنده مدرن ادبیات فارسی است. او شخصیت ادبی بسیار پیچیده‌ای بود و تأثیر بسیاری بر معاصرانش گذاشت. در آثار او، تراژدی جامعه ایرانی مدرن و قدمت تاریخ ایران چشمگیر است.



او نویسنده‌ای بدبین بود. مرگ، تنهایی، ناامیدی و بیزاری درون‌نمایه‌های غالب آثار او هستند.

هدایت کتاب‌های بسیاری دارد، اما بوف کور، شاهکار او است. «بوف کور» (آدم منزوی) به طور تحت‌اللفظی به معنی «جغد کور» و مفهوم آن در فولکلور ایرانی نهفته است: جغد به طور معمول پرنده‌ای شوم و تنها و نشانهٔ بدبختی است.

بوف کور از دو بخش تشکیل شده است. در بخش اول، خواننده وارد دنیای تخیلی قهرمان داستان می‌شود. در همان زمان بخش دوم، داستان زندگی واقعی «بوف کور»

است و از طریق دانستن گذشته «بوف کور» و تربیت او است که خواننده می‌تواند به زندگی خیالی (روایی) قهرمان پی برد. شخصیت اصلی بوف کور، موجود اجتماعی عادی نیست. او بیگانه‌ای غیرعادی است که رؤیاهای آرمان‌هایش با واقعیت عجیب و غریب دنیای اطرافش هم‌خوانی ندارد. او می‌خواهد سرنوشتش را تغییر دهد و از خودش بگریزد، اما همواره خودش را در کوره راه هویت خویش گرفتار می‌بیند. او با خودش هم کاملاً بیگانه است.

در بوف کور دو شخصیت زن هم وجود دارد: یکی موجود اثیری با چشمان جادویی و اندام اثیری و دیگری لکاته (زن بدکاره). بعد از هدایت، نویسندگان بسیاری بودند که داستان‌هایی با سبک و تکنیک مدرن نوشتند، اما آنها نیز برای شخصیت زن داستان‌هایشان، همین دو شخصیت «اثیری» و «لکاته» را برگزیدند.

ادبیات داستانی ایران پس از انقلاب

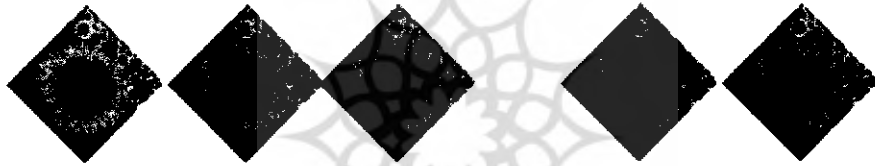
همواره انقلاب‌ها در جهان، منشأ بروز جریانات فکری، اقتصادی و اجتماعی بوده است، به ویژه اگر انقلابی با پشتوانه اعتقادی بوده باشد. انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب ایدئولوژیک بود که موجب گسترش و پیدایش یک نوع ادبیات خاص خود شد؛ زیرا نویسندگان این دوره هم انقلاب را تجربه کرده بودند و هم جنگ را و در شیوه خود این تأثیرات را منعکس کرده‌اند. در این میان گروه‌ها و کسانی که هم‌فکر بودند، جلسات ادبی تشکیل دادند تا داستان‌های خود و دیگران را بخوانند و نقد کنند، همچنین رمان‌ها و مجموعه داستان‌های بسیاری چاپ و منتشر شد و کتاب‌های نقد ادبی و رمان‌ها و داستان‌هایی از زبان‌های دیگر ترجمه گردید.

در این سال‌ها نویسندگان جوانی وارد عرصه ادبیات شدند که از آن جمله: فرخنده آقایی، علی خدایی، ابوتراب خسروی، اصغر عبداللهی و شهریار مندنی‌پور و ... را می‌توان نام برد که تجربیات خود را به صورت داستان نوشتند.

برخی از نویسندگان مذهبی هم بودند که به انقلاب و دفاع مقدس بسیار اعتقاد داشتند و مسائل و جریانات این دوران را ثبت کردند. از جمله: راضیه تجار، زهرا زواریان، مهدی شجاعی، داوود غفارزادگان و محسن مخملباف.

دکتر سیمین دانشور، اولین زنی است که در رمانش، سووشون، شخصیت زن را به صورت دیگری نشان داد. زری، شخصیت اصلی کتاب، زنی است با ترس‌ها و تنهایی‌هایش. شخصیت زری به تدریج در خلال داستان تحول پیدا می‌کند. گرچه او در اول داستان، زنی ترسو و محافظه‌کار است، اما در پایان به زنی شجاع بدل می‌شود. پیش از انقلاب، ما زنان داستان‌نویس اندکی داشتیم، اما پس از انقلاب، به تعدادشان افزوده شد. اکنون، ما حدود ۴۰ تا ۵۰ زن داستان‌نویس داریم که حدود نیمی از آنان فارغ‌التحصیل دانشگاه هستند. همه آنها در کار خود سختکوش و بیشترشان دارای سبک و تکنیک خاص خود هستند.

موضوع اصلی داستان‌های زنان بر محور مسایل خود آنان دور می‌زند. به نظر آنها، داستان بهترین محمل برای بروز دنیای درونی، تنهایی، دردها و رنج‌های آنان است. اینک، زنان ایرانی به سختی کار می‌کنند تا هویت خویش را در زمینه‌های مختلف



اجتماعی، فرهنگی و به ویژه ادبی ابراز کنند. جوایزی که در سال‌های اخیر به دست آورده‌اند، نشان دهنده قابلیت‌ها و سعی و کوشش آنها است. در طول دهه ۷۰-۸۰، زنان آثار بسیاری منتشر کردند. زویا پیرزاد، سپیده شاملو، فریبا وفی و نویسنده این مقاله نیز در میان آنان بودند که داستان‌هایی با فرم و محتوای تازه روانه بازار نشر کردند و جوایز متعددی به دست آوردند. این دوران، دوران درخشانی برای زنان نویسنده بود، زیرا آنان می‌توانستند به آسودگی یکدیگر را ملاقات کنند و درباره آثار خودشان و آثار دیگران به بحث و جدل بپردازند.

پانویس:

* متن سخنرانی خانم منصوره شریف‌زاده - رمان‌نویس معاصر ایران - در یونان است که در همایش «ادبیات معاصر ایران» که به همت رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران در آتن در آذر ماه ۸۴ برگزار شد به زبان انگلیسی ایراد گردید.